

گزارش بانرسانی کتاب فتوح خراسان مدائنی

عبدالرحیم قنوات^۱

چکیده

ابوالحسن مدائنی (۱۳۵ - ۲۲۵ ق) مورخی کثیرالتألیف و در تاریخ فتح شهر و نواحی ایران، به خصوص خراسان، برجسته بود. او بیست اثر درباره فتح شهرهای ایران نوشت که از آن میان، چهار اثر به خراسان اختصاص داشت. مهم ترین اثر او در این زمینه کتاب فتوح خراسان بود که اگرچه نسخه‌ای از آن در دست نیست، بخش عمده آن در آثار مورخان دوره‌های بعد به خصوص محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) نقل شده است. نگارنده تمامی روایات منقول از این اثر را در تاریخ طبری و آثار دیگران استخراج و تنظیم کرده و به بازسازی این کتاب پرداخته است. این مقاله به معرفی کتاب فتوح خراسان مدائنی و گزارش بازسازی آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ الامم والملوک، کتاب فتوح خراسان، طبری، مدائنی.

۱. مدائنی

ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله، معروف به مدائنی (۱۳۵ - ۲۲۵ ق) در بصره به دنیا آمد و در بغداد درگذشت. سنی مذهب بود و ظاهراً به همین دلیل برخلاف بسیاری از اخباریان معاصرش، مورد تأیید و اعتماد محدثان اهل سنت قرار گرفته است. مدائنی مورخی کثیرالتألیف بود و به انساب، ایام العرب، اخبار خلفا، فتوح، مغازی و راویان شعر



آگاه بود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۵۵). آثار و نوشته‌های او، از دوره‌ی جاهلی تا عصر عباسی را در برمی‌گرفت. کار مدائنی را نقطه‌ی اوج مکتب تاریخ‌نگاری عراق دانسته و به این دلیل او را «شیخ‌ال‌اخباریین» لقب داده‌اند (بدری محمد، ۱۹۷۵). ابن ندیم فهرستی بلند از آثار و تألیفات مدائنی به دست داده که شمار آن‌ها به بیش از ۲۴۰ اثر می‌رسد (ابن‌الندیم، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۳). تأثیر مدائنی بر مورخان پس از خود بسیار گسترده بود و آنان در نوشته‌های خود، روایات وی را به فراوانی گزارش کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بخش‌های زیادی از آثار مفقود او در کتاب‌های دیگران در دسترس است. روایت‌های موجود از آثار مدائنی را که در آثار نویسندگان دیگر باقی مانده است ۵۲۳۶ روایت، بر شمرده‌اند (جوابه، ۲۰۰۱: ۱). کسانی هم چون زبیر بن بگار (م ۲۵۶ ق.)، احمد بن ابی خيثمه (م ۲۷۹ ق.)، احمد بن حارث الخزاز (م ۲۵۸ ق.) و حارث بن ابی اسامه (م ۲۸۲ ق.) از او روایت کرده‌اند.

بخش‌های زیادی از کتاب *اسماء من قتل من الطالبیین* او در کتاب *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی نقل شده است. بلاذری نیز روایت‌های بسیاری از آثار مدائنی برگرفته و آن‌ها را در آثار خود آورده است. بخش‌های زیادی از کتاب‌هایی که او درباره‌ی زنان نوشته، در کتاب *بلاغات النساء* احمد بن ابی طاهر طیفور (م ۲۸۰) نقل شده است. محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق.) نیز به فراوانی از آثار مدائنی بهره برده است. از دیگر کسانی که از آثار مدائنی استفاده و از او نقل قول کرده‌اند، می‌توان به شیخ مفید (م ۴۱۳ ق.) در *الارشاد* و نیز ابن ابی‌الحدید (م ۶۵۶ ق.) در *شرح نهج‌البلاغه* اشاره کرد. در متون ادبی مانند آثار جاحظ، مبرد و ابن عبدربه نیز اخبار زیادی از مدائنی نقل شده است.

۲. کتاب‌های «فتوح خراسان» پیش از مدائنی^۱

تا پیش از مدائنی، حداقل چهار اثر در این باره به رشته تحریر درآمده بود:

۱- کتاب *فتوح خراسان*. نوشته‌ی لوط بن سعید بن مخنف ازدی مشهور به *ابومخنف* (م ۱۵۷ ق.) در فهرستی که نجاشی از آثار *ابومخنف* ارائه کرده، نام این کتاب ثبت

۱. برای مشروح این بحث، رک: قنوات، عبدالرحیم، «نخستین تاریخ‌های خراسان در دوره اسلامی»، مطالعات اسلامی؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۷۹-۲۱۰.



شده است. ظاهراً بتوان نقل قول‌هایی را که بلاذری در فتوح البلدان و طبری در تاریخ الامم والملوک درباره فتوح خراسان از ابومخنف صورت داده‌اند، برگرفته از این کتاب قلمداد کرد (نجاشی، ۱۴۲۴: ۳۲۰).

۲-۲. کتاب خراج خراسان. نوشته سلیمان بن صالح لیشی مروزی، ملقب به سلمویه (م ح ۲۰۰ ق.). نرشخی (نرشخی، ۱۳۶۲: ۵۵) و نویسندگان سده‌های بعد، از جمله ابن اثیر در اسدالغابه (ابن اثیر، ۱۹۸۹: ۱۸۶) و ابن حجر در الاصابه (ابن حجر، ۱۹۹۵: ۴۵۵) از آن نقل قول‌هایی کرده‌اند.

۲-۳. کتاب فتوح خراسان. نوشته هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق.). نویسندگانی مانند بلاذری در فتوح البلدان (بلاذری، ۱۹۷۸: ۱۴۱۴ - ۱۴۱۳، ۳۳۳ - ۳۳۱)، طبری در تاریخ الامم والملوک (طبری، بی‌تا، ج ۶: ۵۳۵ - ۵۳۲) و خلیفه بن خیاط در تاریخ خود (خلیفه، ۱۹۹۳: ۲۶۴ - ۲۴۴)، روایت‌هایی درباره فتح خراسان از هشام کلبی نقل کرده‌اند که ظاهراً برگرفته از کتاب فتوح خراسان اوست.

۲-۴. کتاب خراسان. نوشته ابوعبیده مَعْمَر بن مثنی (م ح ۲۱۰ ق.). ابن ندیم نام آن را ثبت کرده (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۹) و نقل قول‌هایی از آن در کتاب‌های مختلف از آن جمله تاریخ الامم والملوک طبری (طبری، بی‌تا، ج ۶: ۵۲۰ - ۵۱۹ و ج ۷: ۴۳) و فتوح البلدان بلاذری (بلاذری، ۱۹۷۸: ۳۹۸ - ۳۹۷، ۴۱۰، ۴۱۱) صورت گرفته است.

۳. آثار مدائنی درباره خراسان

مدائنی بیش از بیست اثر درباره شهرها و نواحی مختلف ایران نوشته است که از آن میان چهار عنوان به خراسان اختصاص دارد. این آثار به دو دلیل مهم قلمداد می‌شوند: الف) مدائنی را داناترین مورخان روزگار خود نسبت به تاریخ شهرهای خراسان و ایران دانسته‌اند (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۰۶). بر این اساس، این کتاب‌ها، آثار قلم‌نویسنده‌ای است که در این موضوع تبحو و برجستگی داشته است. نکته‌ای دیگر که به آثار مدائنی اهمیت بخشیده آن است که اگر حجم آن‌چه مورخان و نویسندگان سده‌های بعد، از آثار اخباریان عراق نقل کرده‌اند، ملاک داوری قرار دهیم، می‌توان نتیجه گرفت که مدائنی

بزرگ‌ترین کتاب‌ها را درباره‌ی تاریخ خراسان به رشته تحریر درآورده است، زیرا حجم هیچ‌یک از تاریخ‌هایی که تا آن زمان درباره‌ی خراسان نوشته شده بود، با حجم آثار مدائنی برابری نمی‌کرد. طبری در گزارش حوادث خراسان (اعم از فتوح و سایر رخدادها) سیاسی و نظامی) در فاصله‌ی سال‌های ۳۰ تا ۱۴۱ ق. بر منابع تکیه و از آن‌ها نقل قول کرده است. برخی معتقدند چنان‌چه طبری در گزارش فتوح خراسان به اخبار مدائنی تکیه نکرده بود، اخبار بسیاری از فتوح و دیگر حوادث سیاسی و اداری در مناطق شرقی قلمرو اسلام از بین رفته بود (جوابه، ۲۰۰۱: ۵).

اما چهار کتابی که مدائنی درباره‌ی خراسان نوشته، از این قرار است:

۱-۳. کتاب *نوادرتیبه بن مسلم*.^۱ طبری به طور مفصل اخبار آن را در ذیل حوادث سال‌های ۸۶ تا ۹۶ ق. نقل کرده است.

۲-۳. کتاب *ولایه اسد بن عبدالله القسری*. اسد بن عبدالله القسری دو نوبت (۱۰۶ - ۱۰۹ و ۱۱۷ - ۱۲۰ ق.) بر خراسان حکومت کرد. مدائنی شرح اقدامات و جنگ‌های او را نیز در کتابی مستقل ترتیب داده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

۳-۳. کتاب *ولایه نصر بن سیار*. مدائنی حوادث دوران حکومت این آخرین امیر امویان در خراسان (۱۲۰ - ۱۳۱ ق.) را نیز چنان مهم دیده که برای گزارش اخبار آن، کتابی مستقل تألیف کرده است.

۴-۳. کتاب *فتوح خراسان*. مهم‌ترین کتابی است که مدائنی درباره‌ی خراسان نوشته و اکنون موضوع سخن ماست.

۴. کتاب *فتوح خراسان*

۴-۱. عنوان کتاب. ابن ندیم نام این اثر را کتاب *فتوح خراسان* ثبت کرده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۱۵). او در ادامه برای روشن کردن محتوای کتاب، افزوده است: «و یحتوی

۱. سردار معروف عرب که در دوره امارت حجاج بن یوسف ثقفی از طرف او مأمور خراسان شد (۸۶ ق.) و مدت ده سال بر این ایالت پهناور حکومت کرد. فتوحات او در ماوراءالنهر و ترکستان بسیار گسترده بود و شهرهای مختلف این نواحی را فتح کرد. او قربانی اختلافات داخلی امویان شد و پس از به رسمیت نشناختن خلافت سلیمان بن عبدالملک، توسط اعراب کشته شد (۹۶ ق.).



علی ولایة جنید بن عبدالرحمن^۱، رافع بن لیث^۲ و اختلاف الروایة فی خبر قتیبه». اما یاقوت حموی عنوان آن را «کتاب فتوح خراسان و اخبار امرائها کقتیبة و نصر بن سیار و غیرهما» آورده (یاقوت، ۱۹۹۳: ۱۸۵۷) که به نظر می‌رسد عبارت «کقتیبة و نصر بن سیار و غیرهما» الحاقی و در واقع اشاره به محتوای کتاب باشد. براین اساس، یاقوت نام کتاب را نسبت به ابن ندیم با تفاوتی اندک «کتاب فتوح خراسان و اخبار امرائها» ثبت کرده است.

۲-۴. اجزا و محتوای کتاب. دربارهٔ تدوین این کتاب و ابواب آن به راحتی نمی‌توان اظهار نظر کرد. چنان‌که آوردیم؛ ابن ندیم پس از ذکر نام کتاب آورده است: «و یحتوی علی ولایة جنید بن عبدالرحمن، رافع بن لیث و اختلاف الروایة فی خبر قتیبه».

براین اساس، می‌توان گمان برد که مدائنی ابتدا کتابی دربارهٔ فتوح و حوادث خراسان تا حدود نیمهٔ دهه ۸۰ ق. نوشته و پس از آن سه اثر کوچکتر خود «اختلاف الروایة فی خبر قتیبه»، «ولایة جنید بن عبدالرحمن» و «رافع بن لیث» را به آن ضمیمه کرده بود.

۱۱

اما دربارهٔ عبارت توضیحی یاقوت که پس از ثبت نام کتاب؛ «کتاب فتوح خراسان و اخبار امرائها»، افزوده است: «کقتیبة و نصر بن سیار و غیرهما»، باید اشاره کرد که این توضیحی دقیق نیست. به این دلیل که اگرچه کتاب فتوح خراسان حاوی اخبار امرای خراسان بوده است و - براساس گزارش ابن ندیم - آن بخش از نوشته‌های مدائنی دربارهٔ قتیبه که وی در آن اختلاف روایات مردان قبیلهٔ باهله و اخباریان دیگر را گرد آورده و با هم مقایسه کرده بود نیز جزئی از کتاب فتوح خراسان بوده، اما گفتیم که مدائنی اثری مستقل با عنوان نوادر قتیبه بن مسلم داشته که جزو کتاب فتوح خراسان نبوده است.

هم‌چنین، براساس گزارش ابن ندیم و نیز یاقوت، مدائنی اثری مستقل نیز دربارهٔ نصر بن سیار داشته که دلیلی برای اثبات آن که این کتاب نیز جزئی از کتاب فتوح خراسان

۱. جنید بن عبدالرحمن در سال ۱۱۱ ق. از طرف هشام بن عبدالملک به امارت خراسان منصوب شد و در سال ۱۱۶ ق از دنیا رفت. (رک: طبری، ج ۷، ص ۶۷، ۹۳).

۲. رافع بن لیث از نوادگان نصر بن سیار، آخرین امیراموی خراسان بود که به دلیل ازدواج غیر متعارف با همسر سابق یحیی بن اشعث طائی، به دستور هارون (حک: ۱۷۰ - ۱۹۳ ق.) در سمرقند مورد پیگرد و حبس و تأذیب قرار گرفت. وی سرانجام از زندان گریخت و شورش کرد و کارش بالا گرفت، به گونه‌ای که هارون مجبور شد برای سرکوب او، خود به خراسان سفر کنند، ولی در این سفر درگذشت و کار رافع تا دو سال بعد (۱۹۵ ق.) ادامه یافت (رفاعی، عصر المأمون، ص ۲۲۰).



بوده است، در دست نیست. برآنچه گفتیم، مطلبی دیگر را نیز باید افزود: بدون شک، تنها مورخی که به صورت گسترده روایات مدائنی را درباره خراسان نقل کرده، محمد بن جریر طبری است. این روایات با ورود سپاهیان عبدالله بن عامر به خراسان (۳۰ ق.) آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد و با حوادث قیام عباسیان و خروج خراسانی‌ها برای رفتن به عراق و شام و حوادث مربوط به سقوط امویان و ادامه کار عباسیان (تا حدود ۱۴۱ ق.) خاتمه می‌پذیرد. اما نباید تصور کرد که تمامی این روایات برگرفته از کتاب فتوح خراسان مدائنی است. همان‌گونه که آمد، مدائنی سه اثر مستقل دیگر درباره خراسان داشته است: کتاب نوادر قتیبة بن مسلم که شامل اخبار حوادث سال‌های ۸۶ تا ۹۶ ق. بوده است، کتاب ولایة اسد بن عبدالله القسری که حوادث دو نوبت حکومت اسد بر خراسان در سال‌های ۱۰۶ تا ۱۰۹ و ۱۱۷ تا ۱۲۰ ق. را شامل می‌شده است و کتاب ولایة نصر بن سیار که به گزارش حوادث سال‌های حکومت این امیراموی در فاصله سال‌های ۱۲۰ تا ۱۳۱ ق. در خراسان پرداخته بود. روشن است که گزارش حوادث قیام عباسیان و سال‌های آغازین حکومت آنان را نیز نمی‌توان جزو کتاب فتوح خراسان قلمداد کرد.

با تکیه بر نقل قول‌های طبری، می‌توان گفت کتاب فتوح خراسان مدائنی کم و بیش شامل تاریخ سیاسی - نظامی خراسان بزرگ از آغاز فتح آن توسط اعراب (۳۰ ق.) تا اوایل سده اول هجری بوده است. بر این اساس، کتاب فتوح خراسان گزارشی از حدود یک قرن حساس و پر آشوب از تاریخ این منطقه مهم و پهناور را در بر می‌گرفته است. این کتاب در حقیقت تاریخ سیاسی خراسان به معنای عام آن است و تنها به فتوح اختصاص ندارد. چنان‌که گذشت، بخشی از کتاب فتوح خراسان مدائنی به گزارش قیام رافع بن لیث بین سال‌های ۱۹۰ تا ۱۹۵ ق. اختصاص داشته است. به نظر می‌رسد این بخش رساله‌ای مستقل بوده است که مدائنی، یا شاید بعدها نسخه پردازان، آن را به کتاب فتوح خراسان ضمیمه کرده‌اند. نکته جالب این‌که طبری با وجود آن‌که همه جا در نقل حوادث خراسان بر اخبار مدائنی تکیه کرده است، هنگام گزارش قیام رافع بن لیث، خبری از او نقل نکرده و جالب‌ترین که در دیگر منابع مشهور نیز - دست کم تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است - از اخبار مدائنی در این باره چیزی نقل نشده است. اگرچه نسخه‌ای از کتاب فتوح خراسان در دست نیست، شیوه محدثان طبری در نقل اخبار تاریخی، باعث شده تا شمار زیادی از روایان مدائنی در نگارش کتاب فتوح خراسان را بشناسیم. طبری که



معمولاً به شیوه محدثان، سلسله سند خبر خود را نقل کرده است، در نقل قول‌های کوتاه و بلند خود از کتاب فتوح خراسان، علاوه بر ذکر نام مدائنی، با عنوان‌هایی مانند: «علی»، «علی بن محمد»، «علی بن محمد المدائنی»، «ابوالحسن»، «ابوالحسن المدائنی» و «مدائنی»، نام راویانی را که مدائنی گزارش‌های خود را از آنان شنیده، آورده است. این راویان بیش از هفتاد نفر که البته از نظر شمار روایاتی که مدائنی از آنان نقل کرده، در یک درجه نیستند. مدائنی بیش از همه، از مسلمة بن محارب بن سلم بن زیاد، و نیز کسانی مانند ابوالذیال زهیر بن هنید العدوی و مفضل بن محمد الصّبعی، روایت کرده است.

در فهرست راویان مدائنی در کتاب فتوح خراسان، هم راویان عراقی به چشم می‌خورند و هم راویان ایرانی. البته، درباره کسانی که به شهرها و نواحی ایران منسوبند، این تردید وجود دارد که آیا آنان ایرانی تبارهایی هستند که نام و نسب عربی برگزیده‌اند یا اعرابی هستند که به سبب اقامت در شهرهای ایران، به این شهرها منسوب شده‌اند؟ از آن جمله، می‌توان به افرادی مانند: مفضل الکرمانی، ابوالسری المروزی، حسن بن رشید جوزجانی و ابوالحسن الخراسانی، اشاره کرد. در میان راویان مدائنی در این کتاب، کسانی نیز هستند که نام آنان معلوم نیست و مدائنی آنان را به نام ناحیه یا قبیله‌شان معرفی کرده است. از آن جمله، می‌توان به «شیخ من اهل خراسان»، «شیخ من بنی سعد بن زید مناة»، «تمیمی رجل من اهل خراسان»، «باهلییون»، «رجل من البراجم» و «شیخ من بنی سدوس» اشاره کرد. به نظر می‌رسد مدائنی در هنگام نگارش کتاب فتوح خراسان، آثار مکتوب برخی مورخان پیش از خود را پیش روی داشته است. به عنوان مثال، گاه از ابومخنف (م ۱۵۷ ق.) نقل قول کرده است، که با توجه به جوانی مدائنی در هنگام درگذشت ابومخنف، به نظر نمی‌رسد او خود این روایات را از زبان ابومخنف شنیده باشد و به احتمال، آن‌ها را از کتاب فتوح خراسان او اقتباس کرده است.

۳-۴. روایات طبری از کتاب فتوح خراسان. براساس تحقیق ما، شمار آن دسته روایاتی که طبری از کتاب فتوح خراسان اخذ کرده است، به ۱۵۲ روایت می‌رسد. در این باره باید به نکته‌ای دیگر نیز اشاره کرد و آن این‌که طبری تمامی این روایات را به طور مستقیم از کتاب فتوح خراسان مدائنی نقل نکرده است. او در گزارش حوادث سال‌های ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۱، ۶۴ و ۹۷ ق، ۱۶ روایت را به واسطه عمر بن شَبّه از مدائنی نقل کرده است. او هنگام نقل این روایات، در ۱۴ مورد از نام «عمر» استفاده کرده و در دو



مورد (روایات شماره ۴۹ و ۶۸) به نام کامل عمر بن شَبّه تصریح کرده‌است و در یک مورد (روایت شماره ۴۹) نام کتابی از عمر بن شَبّه را که روایت مدائنی را از آن اقتباس کرده، ثبت کرده‌است؛ کتاب *اخبار اهل البصره*. این کتاب همان اثری است که ابن ندیم از آن با عنوان *کتاب البصره* یاد کرده‌است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۲۵). طبری هم چنین یک روایت مدائنی (روایت شماره ۵۹) را نیز به واسطه «حارث بن محمد» - بدون نام بردن از اثری از او - نقل کرده‌است.^۱

۴-۴. دیگر آثاری که از کتاب *فتوح خراسان* نقل کرده‌اند. از کتاب *فتوح خراسان* مدائنی، نقل قول‌هایی مختصر (بر اساس جستجوی ما تنها ۹ روایت) در منابعی مانند *انساب الاشراف بلاذری*، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، *کتاب البلدان ابن الفقیه و معجم البلدان* یا *قوت حموی* صورت گرفته‌است که در مقایسه با نقل قول‌های پرشمار و مفصل طبری از این کتاب (۱۵۲ روایت)، قابل توجه نیست. این نقل قول‌ها از این منابع گردآوری و در بازسازی کتاب *فتوح خراسان* در جای مناسب خود گنجانده شده‌است. *مصحح تاریخ بخارا* عقیده دارد که بدون هیچ تردیدی، *نرشخی* در گزارش *فتوح خراسان* و *ماورالنهر*، اخبار مدائنی را اقتباس کرده‌است (*نرشخی*، ۱۲۶۲: ۲۰). با وجود این، در نسخه ترجمه و مختصر شده *تاریخ بخارا* - به جز یک مورد - به چنین مطلبی اشاره نشده‌است (همان، ۸۲). بر این اساس، استخراج مطالبی از این‌گونه و انتساب آن‌ها به کتاب *فتوح خراسان* ممکن نیست.

۴-۵. چند نکته درباره چگونگی بازسازی کتاب *فتوح خراسان*. درباره گردآوری و تنظیم منقولات موجود از کتاب *فتوح خراسان* مدائنی، به مواردی باید اشاره کرد:
۴-۵-۱. درباره نحوه تنظیم کتاب *فتوح خراسان* مدائنی، چیزی نمی‌دانیم. اما طبری که تقریباً این کتاب را به طور کامل نقل کرده، اخبار آن را بر اساس شیوه تاریخ‌نگاری خود، به صورت سال‌نگاری آورده‌است. در بازسازی کتاب *فتوح خراسان* همین شیوه رعایت شده و مستخرجات این کتاب بر اساس تنظیم طبری و در ذیل سال‌های معین، تنظیم شده‌است.
۴-۵-۲. در متن طبری معمولاً حوادث در ذیل عناوینی آمده‌است. این قبیل عناوین

۱. حارث بن محمد بن ابی اسامه تمیمی بغدادی (۱۸۶ - ۲۸۲ ق.). محدث بود (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۱، ص ۸ - ۱۴۶). وی همان کسی است که ابن ندیم شرح حال مدائنی را از قول او نقل کرده‌است (رک: ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۳).



که باعث جلب توجه بیشتر به محتوای گزارش‌ها و روایات است، در هنگام بازسازی کتاب فتوح خراسان ثبت شده است.

۳-۵-۴. در بازسازی کتاب فتوح خراسان، تمامی روایات مستخرج از تاریخ الامم و الملوک طبری و نیز منابع دیگر برای نظم و ترتیب مناسب، شماره‌گذاری شده است. بر این اساس، شمار روایات مستخرج و تنظیم شده در این اثر به ۱۶۱ روایت کوتاه و بلند می‌رسد. البته، در این باره با توجه به شیوه تنظیم منابع متقدم و در مواردی تداخل روایات، احتمال غلط و اشتباه می‌رود و نمی‌توان ادعای دقت کامل داشت.

۴-۵-۴. مصححان، نسخه‌های چاپی متونی را که اخبار کتاب فتوح خراسان مدائنی از آن‌ها استخراج شده، بخصوص تاریخ الامم و الملوک طبری، را از نظر کاربرد علایم نوشتاری مانند: نقطه، دو نقطه، نقطه ویرگول، ویرگول و دیگر علایم نوشتاری آراسته‌اند تا این متون راحت‌تر خوانده شوند. با وجود این، پس از تنظیم این مستخرجات، به نظر رسید متن از نظر افزودن و گاه حذف یا جابجایی این‌گونه علایم، نیازمند ویرایش و اصلاحاتی است. بر این اساس، سراسر متن بازنگری شد. پارگراف‌بندی مطالب نیز مشکلاتی داشت که آن‌ها هم اصلاح گردید.

۴-۵-۵. گفتیم که در فهرست آثار مدائنی، سه اثر دیگر درباره خراسان به چشم می‌خورد: کتاب نوادر قتیبه بن مسلم که اخبار سال‌های ۸۶ تا ۹۶ ق. را در برداشته است؛ کتاب ولایة اسد بن عبدالله القسری که در برگیرنده گزارش حوادث دو نوبت امارات اسد در خراسان (۱۰۶ تا ۱۰۹ و ۱۱۷ تا ۱۲۰ ق.) بوده و کتاب ولایة نصر بن سيار که شامل اخبار حوادث سال‌های حکمرانی آخرین امیرامویان در خراسان (۱۲۰ تا ۱۳۱ ق.) بوده است. بخش‌های قابل توجهی از این سه اثر نیز در تاریخ الامم و الملوک طبری نقل شده است. جزاین، طبری اخباری مربوط به قیام عباسیان و حوادث خراسان. در آغازین سال‌های حکومت این سلسله (تا سال ۱۴۱ ق.) در تاریخ خود خود گنجانده است. به نظر می‌رسد بتوان در تکمیل بازسازی کتاب فتوح خراسان مدائنی، اخبار سال‌های مذکور را نیز استخراج و به متن کتاب ضمیمه کرد و به این وسیله گزارشی کامل‌تر، از تاریخ خراسان در دوره‌ای طولانی (از ۳۰ تا ۱۴۱ ق.) فراهم آورد.



منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۸۹م). *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*، دارالفکر، بیروت.
- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۹۹۴م). *اللباب فی تهذیب الانساب*، دارصادر، بیروت.
- ابن حجر، احمد بن علی (۱۹۹۵م). *الاصابة فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، بیروت.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر: مرکز بین المللی مرکز گفتگوی تمدنها.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۷۸م). *فتوح البلدان*، تصحیح رضوان محمد رضوان، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- جوابرة، عماد عزام (۲۰۰۱م). علی بن محمد المدائنی (م ۲۲۸). *دوره فی کتابة التاریخ*، رسالة درجة الماجستير، اشراف الدكتور جمال جوده، جامعة النجاح الوطنیه، فلسطين - نابلس.
- خطیب بغدادی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، دارالکتب العلمیه.
- خلیفه بن خیاط (۱۹۹۳م). *تاریخ، حقه و قدم له سهیل زکار*، دارالفکر، بیروت.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۹۹۳م). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، الطبعة الثانیه، بیروت.
- رفاعی، احمد فرید (۱۹۲۸م). *عصر المأمون*، مطبعة دارالکتب المصریه، الطبعة الرابعه، قاهره.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت.
- فهد، بدری محمد (۱۹۷۵م). *شیخ الاخباریین ابوالحسن المدائنی*، مطبعة القضاء، نجف.
- فتوات، عبدالرحیم (۱۳۸۶ش). «نخستین تاریخ های خراسان در دوره اسلامی»، *مطالعات اسلامی*؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۷۸، زمستان، ۲۱۰ - ۱۷۹.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۲۴ق). *رجال*، تحقیق موسی الشبیری، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة السابعه، قم.



گزارش بازسازی کتاب فتوح خراسان مدائنی

- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۲ش). تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفرین عمر، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، انتشارات توس، چاپ دوم، تهران.
- یاقوت حموی (۱۹۹۳م). معجم الادباء، تصحیح احسان عباس، انتشارات دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۹۹۳.